
تبیین مستندات قرآنی مقام معظم رهبری علیه السلام در موضوع تهاجم فرهنگی

محمد جواد اسکندارلو^۱

چکیده

پروژه تهاجم فرهنگی که به طور مشخص از دهه دوم آغاز شده و با روندی صعودی تا امروزه نیز ادامه دارد، امنیت حوزه‌های اخلاق و فرهنگی کشورمان به ویژه نسل نورسته، خلاق و جوان ما را مورد هدف قرار داده است. مقام معظم رهبری از همان آغاز فعالیت فرهنگی دشمن، نقشه آن‌ها را پی برده و به گونه‌های مختلف برای اқشار گوناگون جامعه در این رابطه افشاگری و روشنگری نموده است. در مقاله پیش‌روی، مهم‌ترین نکات و توصیه‌ها و راهکارهای معظم له از بیانات ایرادشده‌ی ایشان برای مردم، انتخاب شده و در این نوشتار، نقل و تبیین گردیده است. گرچه تاکنون مقالات متعددی در این رابطه به نگارش درآمده، لیکن جنبه‌ی نوآوری این مقاله، ذکر و تبیین شواهد و مستندات قرآنی بیانات ایشان می‌باشد. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: پاسخ ما در برابر تهاجم فرهنگی دشمن باید به گونه‌ی منظم و سازمان‌یافته باشد. امر به معروف و نهی از منکر، حفظ وحدت در دنیای اسلام، حفظ مرزهای ایمانی و روحی خودمان، رعایت

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه . mj_eskandarlo@miu.ac.ir

تقوا در همه عرصه‌های زندگی، و حفظ روحیه مقاومت و پایداری در سنگر ایمان، از برجسته‌ترین راهکاری مبارزه با تهاجم فرهنگی قلمداد می‌شود.

واژگان کلیدی: تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تبادل فرهنگی، راهکارهای قرآنی مبارزه با تهاجم فرهنگی، مقام معظم رهبری.

تبیین موضوع

مسئله‌ی «تهاجم یا شبیخون فرهنگی» موضوع مهم و امر خطیری است که از سال‌های گذشته بلکه از سه دهه‌ی قبل تاکنون در سخنرانی‌ها و بیانات مختلف مقام معظم رهبری، مطرح شده و مورد تأکید جدی و اهتمام وافر ایشان قرار گرفته است. معظم له در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب چنین اظهارنظر فرمودند:

«در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد، جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند. فرض کنید در محوطه‌ای یک بمب شیمیایی بیفتد که احدی نفهمد که این بمب در آن جا افتاد؛ ولی پس از هفت، هشت ساعت ببینند صورت‌ها و دست‌ها همه تاول زده است. الان در مدرسه‌ها و داخل خیابان‌ها و جبهه‌ها و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید، الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعداً هم بیشتر خواهد شد یک کتاب چاپ می‌شود. یک فیلم تولید می‌شود و به صورت ویدئو داخل کشور می‌آید و زمینه‌ی چنین تهاجمی را فراهم می‌کند. دیشب یکی از آقایان می‌گفت: وسایل کوچکی اختراع شده که در آن، بیست فیلم ویدئویی به صورت میکرو فیلم ضبط می‌شود و هر فردی می‌تواند آن را لای دکمه‌اش مخفی کند و به داخل کشور بیاورد و بین جوان‌ها توزیع کند. (بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>، ۱۳۶۸/۹/۷).

معظم له در باب اهمیت و ضرورت مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی فرموده‌اند:

«من در یک جمله ساده و کوتاه عرض کنم که یک ملت، با ایمان و اعتقادش مبارزه می‌کند، اصلاً مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن با ایمان است، نه با دست و چشم و بدن، دست و چشم بدن ابزار است... اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه

ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد تبدیل کند، پیروز شده است. این جاست که مبارزه فرهنگی، مبارزه‌ای می‌شود واجب‌تر از واجب.» (مقام معظم رهبری، ۱۵/ اردیبهشت/ ۱۳۷۲، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>)

«این مسئله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم می‌آورم و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دویش برای شما قابل توجه است. یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می‌گرفته و در دوران اسلامی قطع شد. این‌ها دارند فشار می‌آورند که همان کار، باید انجام بگیرد، شاخه‌ی دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران، از طریق فرهنگی با نوشتن، با تهیه فیلم یا نمایشنامه‌ها یا تنظیم کتاب‌ها یا فصلنامه‌ها، این کار هم الان در کشور ما با هدایت بیگانه دارد انجام می‌گیرد... باید جبهه فرهنگی به وجود آید. سنگرهای فرهنگی باید به وجود بیاید، همه باید کار کنند و امروز، روز کار است» (مقام معظم رهبری، ۸/ مرداد/ ۱۳۷۲، بیانات در جمع بزرگ بسیجیان

تبریز، (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29449>)

«سازندگی کشور، بدون توجه به این کار مهم فرهنگی، کار حکیمانه و عاقلانه‌ای نیست» (مقام معظم رهبری، ۵/ بهمن/ ۱۳۷۶).

بررسی و تحلیل:

«پروژه تهاجم فرهنگی که به طور مشخص از دهه دوم آغاز و با روندی صعودی تا امروز نیز ادامه دارد، در حقیقت امنیت حوزه‌های اخلاق و فرهنگی کشورمان به ویژه نسل نوریسته، خلاق و جوان ما را مورد هدف قرار داده و آنچه نظام سلطه را به تداوم این سیاست ترغیب می‌کند پاسخگو بودن آن به اهداف طراحان و استراتژیست‌های کهنه کار غربی است. این سیاست، پیش از این در کشورهای دیگر آزموده شد و با موفقیت همراه بود. مهم‌ترین این

کشورها، کشور اسلامی اندلس (اسپانیا) بود.

اروپایی‌ها با اعمال این سیاست این کشور مهم اسلامی را، به شکست و هزیمت واداشتند و آن را با کم‌ترین هزینه به تصرف خود درآوردند». (سیدمحسن موسوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).

«تهاجم فرهنگی، مثل خودکار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سروصدایی است یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می‌دارد منصرف کنند. همان کاری که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند. یعنی جوان‌ها را در عالم به فساد و شهوترانی و می‌گساری و این چیزها مشغول کردند، این کار حالا هم دارد انجام می‌گیرد... (مقام معظم رهبری، ۲۱ / مرداد/ ۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>

مقام معظم رهبری معتقدند که پاسخ مقابل ما در برابر تهاجم فرهنگی دشمن باید منظم و سازمان‌یافته باشد: «دشمن به شکل منظم و سازمان‌یافته‌ای تهاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام می‌رساند و اگر پاسخ متقابل ما منظم و سازمان‌یافته نباشد خطر تهاجم دشمن بیشتر خواهد بود، لذا این مسأله باید به طور جدی مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. و در این زمینه لازم است نهادهای ذریبط با همفکری و کمک به یکدیگر ابزار و شیوه‌های مختلف را برای خنثی کردن تهاجم فرهنگی دشمن به کار گیرند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان رهبری، ص ۳۸۳)

پیشینه‌ی بحث

تقریباً از دو دهه‌ی گذشته تاکنون در باب «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن» مقالات بسیار متعددی تدوین یافته و در مجلات و نشریات گوناگون به چاپ رسیده است، در ذیل آن دسته از مقالات مربوط به تهاجم فرهنگی که به دیدگاه مقام معظم رهبری نیز پرداخته‌اند معرفی می‌گردد:

«معناکاوی تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»؛ نویسنده: محسن مهاجرنیا؛ مجله: کتاب نقد، ۱۳۸۸، شماره ۵، ۵۰ و ۵۱.

«جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ نویسنده: سید مسعود جزایری؛ مجله: راهبرد فرهنگ، زمستان ۱۳۹۰، ش ۱۶.

از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری؛ نویسنده: محمدجواد سبحانی فر، مجله: پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۵.

بررسی نقاط ضعف فرهنگ غرب در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری؛ نویسنده: جمال شفیعی و دیگران؛ مجله: امنیت ملی، ۱۳۹۳، شماره ۱۲.

نفوذشناسی، بازخوانی اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ نویسنده: حمیدرضا حاتمی؛ مجله: مطالعات عملیات روانی، ۱۳۹۴، شماره ۴۲.

تحلیل پیکره بنیاد گفتمان تهاجم فرهنگی در سخنان رهبر جمهوری اسلامی ایران؛ نویسنده: زهرا شیرازیان؛ مجله: زبان کاوی، ۱۳۹۵، شماره ۳.

واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن؛ نویسنده: خاتمی سبزواری، سید جواد؛ مجله: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۶، شماره ۲۵.

- یادآوری محورهای اصلی که در مقالات یادشده مباحث مورد نظر نویسندگان آنها را به خود اختصاص داده است نوعاً عبارتند از: مفهوم‌شناسی فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی؛ ضرورت مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی، راه‌کارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی، تبیین تهدید نرم، اهداف تهاجم فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری؛ ولی هیچ‌یک از آنها، مستندات و شواهد قرآنی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری... را مورد بحث و تبیین قرار نداده‌اند. مقاله‌ی پیش‌روی به این امر مهم پرداخته و هدف اصلی آن تبیین مبانی قرآنی دیدگاه‌های مقام معظم له در باب مسئله تهاجم فرهنگی می‌باشد.

مفهوم‌شناسی واژگان

تعریف فرهنگ

از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است که متجاوز از ۱۶۰ تعریف می‌باشد. که بعضی از این تعاریف مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاص از این واژه را به دست می‌دهند. یکی از نخستین تعاریف نسبتاً جامع از فرهنگ، توسط تایلور (مردم‌شناس انگلیسی) در سال ۱۸۷۱ ارائه شده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند» (همایون: ۱۳۵۸)

«فرهنگ، مجموعه‌ی پیچیده‌ای از معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنت‌ها و سرانجام، تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد و در برابر آن، وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد. (داون، ۱۹۷۸: ۳۴)

تعریف تهاجم فرهنگی:

«تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «هجوم فرهنگی» و... مفاهیمی است که بر سر زبان‌ها افتاد و گسترش یافت، مقام معظم رهبری از همان نخستین سال‌های پایان دفاع مقدس، دست دشمنان را خوانده و خبر از تهاجم و شبیخون فرهنگی آنان دادند. چنانچه در یکی از سخنرانی‌ها می‌فرمایند:

«دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشاء - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۲۲/۴/۷۱، -<https://farsi.khamenei.ir/speech>

از این رو، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی تعریف تهاجم فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: اشاعه فرهنگ فساد و فحشاء به منظور نابودی جوانان مسلمان.

تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی:

«تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه- سیاسی یا اقتصادی- برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند، اما به زور، اما به قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی و از بین بردن آن است؛ ولی در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد... اما در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد... پس تبادل فرهنگی به انتخاب ماست اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است... (مقام معظم رهبری، ۲۱ / مرداد/ ۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>

مهم‌ترین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با تهاجم فرهنگی:

یک- حوزه‌های علمیه، مسئول اصلی مبارزه با تهاجم فرهنگی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مسئولیت مقابله با تهاجم فرهنگی بیش از همه، بر عهده‌ی حوزه‌های علمیه می‌باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هدف این تهاجم با چنین ابعادی، اسلام و انقلاب و ما هستیم. البته، شکی نیست که مقابله با این تهاجم، پول و بودجه و امکانات و پشتیبانی‌های سیاسی دولت را می‌خواهد، اما دولت پول بدهد و پشتیبانی کند که چه بشود؟ طبیعی است که فکری پخش بشود، آن فکر کجا تولید خواهد شد؟ آیا آن هم در دولت است یا در حوزه؟ این‌ها انتظاراتی است که از حوزه می‌رود.»

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب، ۱۳۶۸/۹/۷،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>).

شاهد و مستند قرآنی

خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (توبه: ۱۲۲).

«شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند».

شک نیست که منظور از «تفقه» در دین فراگیری همه معارف و احکام اسلام اعم از اصول و فروع است، زیرا در مفهوم تفقه، همه این امور جمع است؛ بنابراین آیه‌ی فوق دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفائی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه‌ی تمام مسائل اسلامی بپردازند، و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، مخصوصاً به قوم و جمعیت خود بازگردند، و آن‌ها را به مسائل اسلامی آشنا سازند. بنابراین آیه‌ی فوق دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی... و اگر دنیای امروز به تعلیمات اجباری افتخار می‌کند، قرآن در چهارده قرن پیش علاوه بر آن بر معلمان نیز این وظیفه را فرض کرده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۹۳/۸)

یکی از مفسران معاصر در ذیل این آیه مطلب جالبی دارد، او می‌گوید: «من در «طرابلس» مشغول تحصیل علم بودم، روزی فرماندار آنجا که خود از معارف اسلامی اطلاعات قابل ملاحظه‌ای داشت، به من گفت: چرا دولت، علما و طلاب علوم دینی را از خدمت سربازی معاف می‌کند، در حالی که این خدمت مقدس، شرعاً بر همه واجب

است، و طلاب علوم دینی از همه‌ی مردم به انجام این فریضه‌ی دینی شایسته‌ترند، آیا این کار اشتباه نیست؟ من بدون مقدمه به فکر آیه‌ی فوق افتادم و گفتم این کار ریشه‌ای در قرآن مجید دارد، آنجا که می‌گوید: گروهی جهاد کنند و گروهی به تحصیل علم پردازند! او بسیار از این جواب لذت برد. به خصوص اینکه از یک فرد مبتدی مانند من که در آن روز تازه مشغول به تحصیل شده بودم صادر شده بود» (رشیدرضا، بی‌تا: ۷۸/۱۱)

شایان ذکر است که فراگیری و تعلیم معارف اسلامی اختصاص به علم فقه و اصول و فلسفه و امثال آن نداشته بلکه هدف اصلی و کاربردی آن عبارت است از: مبارزه با فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی- اعتقادی بیگانگان و جایگزین‌سازی فرهنگ اسلامی و توحیدی به جای فرهنگ غربی؛ که این رسالت عظیم در درجه‌ی اول بر دوش فرهیختگان حوزه‌های علمیه می‌باشد.

دو- مبارزه با تهاجم فرهنگی: مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس آیات و روایات فراوان، اساس و شالوده‌ی همه دین، امر به معروف و نهی از منکر است و بر همین اساس واجب است در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان واکنش جدی و عملی نشان داد؛ مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط- فرهنگ فساد و فحشا- سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند، چه کسی می‌تواند از این فضیلت‌ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلت‌ها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند! این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند... همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنند. نهی از منکر کنید این واجب است. این مسئولیت شرعی شماست.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۲۲/۴/۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

شاهد و مستند قرآنی

اگر مردم به این اصل مهم دینی و عقلی آگاهی یابند و خود را مقید و عامل به آن کنند و هر کس در محدوده زندگی خویش با فساد و زشتی‌ها مبارزه کند و مردم را به نیکی دعوت نماید دشمن هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (آل عمران: ۱۰۴).

«و باید از میان شما امتی باشد که دعوت به خیر و نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند». در تفسیر این آیه علامه طباطبائی می‌فرماید:

«... اگر در اجتماعی، دانش و علم نافع و عمل صالحی باشد، برای دوام و پایداریش باید افراد را از منحرف شدن از راه خیر- که همان اعمال معروف و شناسایی نزد آنان است- بازدارند، و مردم دیگر را هم به طی کردن راه خیر تشویق نمایند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌شود، چنانکه در آیه‌ی مورد بحث به عنوان (يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) از آن یادآوری شده است.

از اینجا سرّ اینکه خدای متعال از «خیر و شرّ» تعبیر به «معروف و منکر» فرموده روشن می‌گردد: زیرا اساس و بنیان کلام چنانکه از آیه‌ی سابقه: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...)) دستگیر می‌شود، بر چنگ زدن به رشته‌ی الهی و اتحاد و برادری نهاده شده، پرواضح است اجتماعی که راه زندگی را چنین قرار داد، اعمال معروف نزدش همانا «خیر» و منکرات جز «شرّ» چیز دیگری نخواهد بود. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۳/۶۰۷)

سه- دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند:

«امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است. و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم

اسلامی احساس ضعف می‌کند؛ لذا به انواع جنگ‌های روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملت‌ها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل می‌شود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند... اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبدا بازیچه‌ی دست دشمنان مشترکی بشوید که به عنوان قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عناوین گوناگون دیگر، می‌خواهند بین شما اختلاف بیندازند...»
 (خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۷/۷/۱۰، -<https://farsi.khamenei.ir/speech>،
 (content?id=3902)

شاهد و مستند قرآنی سخن مقام معظم رهبری در باب حفظ وحدت:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...) (آل عمران: ۱۰۳).

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله‌ی ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید...»

در این آیه بحث «مسئله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه» مطرح شده و می‌فرماید: همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و از هم پراکنده نشوید. درباره‌ی اینکه منظور از «حبل الله» (ریسمان الهی) چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده‌اند، بعضی می‌گویند منظور از آن قرآن است، و بعضی می‌گویند اسلام، و بعضی دیگر گفته‌اند منظور خاندان پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند....

ولی در واقع منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او، و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از معنی «حبل الله» استفاده می‌شود، جمع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹/۳-۲۸)

اتحاد نقش بسیار مهمی در بقای ملت‌ها و مقابله با نقشه بیگانگان دارد. با تمام گفت‌وگوهایی که درباره‌ی اثر اعجاز‌آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و

سربلندی اجتماعی گفته شده است، می‌توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته نشده است. امروز سدهای عظیمی در نقاط مختلف جهان برپا شده که مبدأ تولید بزرگ‌ترین نیروهای صنعتی است و سرزمین‌های وسیعی را زیر پوشش آبیاری و روشنایی خود قرار داده است، اگر درست فکر کنیم می‌بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه‌ی به هم پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران نیست و آنگاه به اهمیت اتحاد و کوشش‌های دسته‌جمعی انسان‌ها واقف می‌شویم. (همان، ۳۳)

در احادیث فراوانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده به لزوم و اهمیت این موضوع با عبارات مختلفی اشاره شده است:

در یک مورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضًا»: «افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد.»

و نیز فرمود: «المؤمنون كالنفس الواحدة»: «مؤمنان همچون یک روحند». و نیز می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى»: «مثل افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۵۲ ش: ۴۵۰/۲)

چهار- تبادل فرهنگی لازم است:

مقام معظم رهبری در باب اهمیت و ضرورت تبادل فرهنگی و تفاوت آن با تهاجم فرهنگی می‌فرمایند:

«تهاجم فرهنگی» با «تبادل فرهنگی» متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است هیچ ملتی بی‌نیاز نیست از این که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که به آن‌ها نام فرهنگ داده می‌شود- از ملت‌های دیگر بیاموزد. همیشه تاریخ نیز همین بوده است. ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را

خلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف و دین را از یکدیگر
فرا گرفته‌اند. این مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است....

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی- برای مقاصد
سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد.
چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند، اما به زور، اما به
قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی و از بین بردن آن است؛ در تبادل
فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین
و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد... ولی در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از
فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد... پس
تبادل فرهنگی به انتخاب ماست اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است». (مقام معظم
رهبری، ۲۱ / مرداد/ ۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>)

شاهد و مستند قرآنی:

(...فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ
هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ) (زمر: ۱۸-۱۷).

«... پس بندگان مرا بشارت ده همان‌هایی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را
پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان هدایت کرده و هم آن‌ها خردمندانند»
این دو آیه که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان، و
انتخاب‌گری آنان را که در مسائل مختلف به خوبی نشان می‌دهد.

«بندگان من کسانی هستند که به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و
خصوصیات دیگر گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را برمی‌گزینند»
هیچ‌گونه تعصب و لجاجتی در کار آن‌ها نیست و هیچ‌گونه محدودیتی در فکر و
اندیشه آن‌ها وجود ندارد. آن‌ها جویای حقتند و تشنه‌ی حقیقت، هر جا آن را بیابند با تمام

وجود از آن استقبال می‌کنند و از چشمه‌ی زلال آن بی‌دریغ می‌نوشند و سیراب می‌شوند. آری این است نشانه‌ی یک مسلمان راستین و مؤمن حق طلب.

بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند، چرا که بر اثر ضعف منطق که به آن گرفتارند از این می‌ترسند منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد. اما فرهنگ و تمدن اسلام و قرآن به گونه‌ای است که سیاست «دروازه‌های باز» را به اجرا درآورده، و بندگان راستین خداوند را کسانی می‌داند که اهل تحقیقند نه از شنیدن سخنان دیگران وحشت دارند، نه تسلیم بی‌قید و شرط می‌شوند و نه هر وسوسه‌ای را می‌پذیرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۳/۱۹-۴۱۲)

پنج- مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره فرموده‌اند: «در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنان را می‌بینید، اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران به خصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، به خصوص از جوان‌ها خواهش می‌کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آن‌ها را دچار رخنه کند، همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-
\(content?id=6742\)](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6742)

ریشه و خاستگاه این توصیه و تأکید رهبری را می‌توان در آیه‌ی ذیل جستجو کرد:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...) (تحریم: ۶).

نگهدار خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر، و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است.

این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه‌ی تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه‌ی زندگی و مسکن و تغذیه‌ی آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن تغذیه‌ی روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

علامه طبرسی در تفسیر آیه‌ی محل بحث می‌نویسد: «خودتان و خانواده خویش را با صبر و استقامت بر طاعت الهی و از معصیت او از پیروی نمودن شهوات در برابر آتش الهی حفظ کنید همچنین آنان را به بندگی خدا فراخوانید و به آن‌ها فرائض دین را بیاموزید و از زشتی‌ها بازدارید و نسبت به کارهای نیک و شایسته تشویق و ترغیب نمایید. وظیفه هر مسلمان است که این کار و رویه را نسبت به خود و خانواده و همه‌ی زیردستانش انجام دهد» (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ج: ۳۱۸/۵)

بدیهی است که مفاد کلی آیه‌ی محل بحث عبارت است از حفظ مرزهای ایمانی و روحی هر مسلمان نسبت به خود، خانواده و اطرافیانش.

شش- دشمنان از احکام و فرهنگ اسلامی همچون حجاب زنان و از اصل اسلام احساس خطر کرده‌اند:

رهبری در این باره می‌فرماید: «تهاجم عجیبی وجود دارد. چیزهایی که می‌شنوید: مثل حجاب در فرانسه و مبارزه با دختران محجبه در این کشور- این‌ها چیزهایی است که نشان از آتش‌های زیر خاکستر می‌باشد و از کار عظیمی در پشت پرده خبر می‌دهد. قضیه فقط این نیست که یک دولت مثلاً لاییک‌ی بگوید که ما نمی‌خواهیم محجبه‌ای باشد، نه، این‌ها اصلاً از اسلام به شدت احساس خطر کرده‌اند. البته، این موضوع تازگی هم ندارد، از سابق نیز این طور بوده است.» (بیانات رهبری در دیدار مجمع نمایندگان طلاب؛

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>، ۱۳۶۸/۹/۷)

نکته: عفاف و حجاب علاوه بر آنکه آموزه دینی و اسلامی است از حمایت‌های

روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز برخوردار است. دو واژه‌ی عفاف و حجاب را غالباً به همراه هم به کار می‌بریم به این دلیل که پیوند درونی عمیقی با یکدیگر دارند. حجاب از این رو مهم است که هم برآمده از عفت است و هم عفت را تقویت می‌کند.

شاهد و مستند قرآنی:

گرچه حجاب الزاماً دلیل بر عفاف نیست، ممکن است حجاب ظاهر باشد اما عفاف باطن نباشد، اما تجسم بیرونی عفاف، حجاب است، فرد عفیف، محجوب است، حجاب حریم ارزش بین زن و مرد است. (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) خداوند در این باره می‌فرماید: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (احزاب: ۵۳): «هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را به عنوان (عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار برای پاکی دل‌های شما و زنان بهتر است» خطاب آیه متوجه مردان است که با زنان اختلاط پیدا نکنند و در صحبت و تقاضا حریم‌ها را حفظ کنند. حجاب، عاملی است برای دور کردن آسیب‌ها و خطرات از ساحت زن، خداوند می‌فرماید: (ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ) (احزاب: ۵۹)؛ از طرفی ارزش و قیمت زن را بالا می‌برد و نوعی وقار و عظمت به او می‌بخشد. بی‌حجابی و بدحجابی مقدمه ترویج فساد و عفت‌ستیزی و عفت‌گریزی است. بنابراین علت اصلی مبارزه و مخالفت دشمنان اسلام با مسئله حجاب این است که حیا و عفت را از دختران و زنان مسلمانان بگیرند تا بتوانند همه اهداف تهاجم فرهنگی خویش را تحقق بخشند. و در واقع با اصل اسلام مخالفند چون تمامی احکام و دستورات دین مبین اسلام، مطابق با فطرت و سرشت سلیم آدمی است و جامعه‌ی بشری را به حفظ اخلاق و معنویت و ارزش‌های دینی و توحیدی دعوت می‌نماید و این همان چیزی است که نه تنها در فرانسه و بلکه در تمام کشورهای غربی و اروپایی مورد هجومه دشمنان اسلام و قرآن قرار گرفته است.

هفت - انسان، آسیب پذیر است

«دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب پذیر است، می‌گویند: «هر انسانی قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد، البته راست می‌گویند، با یک استثناء: (إِلَّا الْمُتَّقِينَ) متقین را نمی‌توان فاسد کرد» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از پاسداران: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵، -[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2738)

در مورد اینکه هر انسانی در معرض خسران و آسیب است ولی افراد صالح و باتقوا اهل نجات و رستگاری هستند، سوره‌ی کاملی در قرآن به نام سوره‌ی «عصر» وجود دارد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ): «به نام خدای رحمان و رحیم. سوگند به عصر که جنس انسان در خسران و زیانکاری است. مگر افراد و اقلیتی که ایمان آورده اعمال صالح می‌کنند و یکدیگر را به حق سفارش و به صبر توصیه می‌نمایند»

به طور مسلم همه‌ی انسان‌ها در زیانند. سرمایه‌های وجودی خود را چه بخواهند یا نخواهند از دست می‌دهند. ساعات و ایام و ماه‌ها و سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد، نیروهای معنوی و مادی تحلیل می‌رود، و توان و قدرت کاسته می‌شود.

«فخر رازی» در تفسیر این آیه سخنی نقل می‌کند که حاصلش چنین است:

«یکی از بزرگان پیشین می‌گوید: معنی این سوره را من از مرد یخ‌فروشی آموختم، فریاد می‌زد و می‌گفت: «ارحموا من یدوب رأس ماله ارحموا من یدوب رأس ماله!»: «رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می‌شود، رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می‌شود. پیش خود گفتم این است معنی (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ): «عصر و زمان بر او می‌گذرد و عمرش پایان می‌گیرد، و ثوابی کسب نمی‌کند و در این حال زیانکار است». (فخر رازی، بی‌تا:

(۸۵/۳۲)

به هر حال از نظر جهان بینی اسلام دنیا یک بازار تجارت است همان گونه که در حدیثی

از امام هادی علیه السلام می خوانیم: «الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ»: «دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می برند و جمعی دیگر زیان». (حرّانی، ۱۳۷۶ ش: ۳۶۱)

آری تنها یک راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان قهری و اجباری وجود دارد، فقط یک راه که در آخرین آیه این سوره به آن اشاره شده است: «مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، و یکدیگر را به طرفداری و انجام حق سفارش کردند، و یکدیگر را به صبر و استقامت توصیه نمودند»

هشت - چه کسانی «خسرالدنیا والآخرة» شده اند!؟

مقام معظم رهبری می فرمایند:

«هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند، از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقایی که خودش به حسب آنچه که ما می بینیم خسرالدنیا والآخرة است، بر می دارد می نویسد که «ملت ایران خسرالدنیا والآخرة» شده اند! می نویسند و چاپ هم می کنند که «مسلمان های عالم و از جمله ملت ایران، خسرالدنیا والآخرة شدند» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند، مقصودش این است! این خسرالدنیا والآخرة بوده است؟ ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد، توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست نشاندهی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جادهی آزادگی گام نهد، خسرالدنیا والآخرة است؟ این جوانان ما، این خانواده های مؤمن ما، این زن و مرد دلباختهی دین و عاشق راه خدا، خسرالدنیا والآخرة اند؟ خودشان خسرالدنیا والآخرة اند کسی که این را می گوید، حقیقتاً خسرالدنیا والآخرة است. نه دنیا دارند، نه آخرت، دنیاشان، دنیا نکبت، آخرتشان هم بلاشک قهر و عذاب الهی است. این ها عوامل دشمن اند، این تهاجم فرهنگی است...» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگزاران و

معلمان، ۱۳۷۱/۲/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>

شاهد و مستند قرآنی:

(وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) (حج: ۱۱).

«بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبی‌شان بسیار ضعیف است) همین که دنیا به آن‌ها رو کند و نفع و خیری به آنان رسد حالت اطمینان پیدا می‌کنند اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان به آن‌ها برسد دگرگون می‌شوند و به کفر رو می‌آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است»
در حقیقت این گونه افراد دین را تنها از دریچه منافع مادی می‌نگرند و معیار و محک حقانیت آن را روی آوردن دنیا می‌پندارند، این گروه در هر جامعه‌ای وجود دارند، ایمانی آلوده به شرک و هوی‌پرستی دارند. بدیهی است که چنین ایمان و اعتقادی سست‌تر از تار عنکبوت است!

امروزه گروه‌ها یا احزابی سیاسی را مشاهده می‌کنیم که کاملاً غربزده و وابسته به مظاهر فریبنده دنیای غرب و فرهنگ مبتذل غربی هستند از این رو، ذوق و سلیقه‌ی آن‌ها با فرهنگ اسلامی، جهاد و دفاع مقدس و با حجاب و عفاف سازگار نیست و برعکس، شیفته زندگی و فرهنگ غربی هستند و به همین علت، گرایش به غرب و غربزدگی را خوشبختی و سعادت واقعی در زندگی قلمداد می‌کنند ولی پشت پا زدن به فرهنگ مبتذل اروپاییان و ارزش‌های ضداخلاقی آنان را زیان و خسران می‌پندارند و بر همین اساس است که مردم ایران را به گمان باطل خویش «خسرالدنیا والآخرة» معرفی کرده‌اند!

نه - نقش تقوا در مبارزه با تهاجم فرهنگی

از دیدگاه مقام معظم رهبری، نقشه گمراه‌کنندگان فرهنگی در افراد باتقوی تأثیرگذار نیست و در همین رابطه می‌فرمایند:

«متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آن‌ها این را، یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله، انسان‌ها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیبایی‌های دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آن‌ها به رژه درآورد و دل‌هایشان را برد، طوری که همه‌ی ارزش‌ها را دور بریزید و در مقابل

جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الْمُتَّقِينَ» تقوا در قیامت هم اثر می‌کند. در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند. در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند، و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2738>)

شاهد و مستند قرآنی

خداوند حکیم بهترین پوشش و لباس را برای انسان، پوشش تقوا معرفی کرده و در این رابطه می‌فرماید: (وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ) (اعراف: ۲۶). این آیه روشن می‌سازد که تقوا باید چنان در زندگی انسان جامع و فراگیر باشد که همچون لباس، سراسر وجود و حیات او را در بر گرفته و زینت و پوشش دهد. برخی از آثار و فواید از نگاه قرآن کریم در ذیل ذکر می‌گردد:

الف- تقوا بینش و درک حقایق انسان را افزایش می‌بخشد:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ) (انفال: ۲۹).
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد و گناهانتان را می‌پوشاند»

ب- تقوا راه رهایی از بن بست‌ها:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا) (طلاق: ۲)
«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»

ج- آسان شدن کارهایی که برای دیگران دشوار به نظر می‌رسد:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا) (طلاق: ۴)
«و هر کس تقوای الهی داشته باشد، خداوند کار او را آسان می‌سازد»

د- نیل به مقام عالی سعادت و رستگاری

(وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (نور: ۵۲)

«و هر کس که اطاعت خدا و رسولش را نماید و از او بترسد و تقوا پیشه کند، پس چنین کسانی رستگارند و به فوز و سعادت نائل می‌آیند»

ه- فراوانی نعمت‌های مادی پروردگار و رفاه اقتصادی:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) (اعراف: ۹۶)

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم»

و- خداوند خود، آموزگار پرهیزکاران می‌گردد:

(وَإَتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ) (بقره: ۲۸۲)

«و تقوا پیشه کنید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد»

«قلبی که پاک و عاری از هر پلیدی و آلودگی باشد، می‌تواند همچون آینه‌ای جلوه‌گر

تمام حقایق باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۲۸۹)

ز- رسیدن به مدال جوانمردی:

(إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى) (کهف: ۱۳)

«آنان جوانمردان بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایشان افزودیم»

ک- مشمول عنایات خاص و رحمت ویژه‌ی الهی شدن:

(وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ) (اعراف: ۱۵۶)

«و رحمت من همه چیز را فراگرفته و آن را برای آنان که تقوا پیشه کنند مقرر خواهم

داشت»

ل- کسب برترین کرامت نزد پروردگار:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَمُّكُمْ) (حجرات: ۱۳)

«به راستی گرامی ترین شما نزد پروردگار با تقواترین شما است»

م- دوری از آتش دوزخ:

(وَسَيَجْزِيَنَّهَا اللَّهُ أَتَقَى) (لیل: ۱۷)

«و به زودی با تقواترین مردم از آن آتش دور داشته می شوند»

در قرآن کریم حدود ۲۴۰ آیه مسأله و موضوع مهم تقوا را مورد بحث و بررسی قرار داده است و مفاد کلی این آیات بیانگر خیر و خوشبختی و کامیابی برای متقین در هر دو سرا می باشد.

بدیهی است که عقل و منطق سالم هر انسانی در مواجهه با این همه آثار و فواید مطلوب، مجبوز شدن به تقوا را بر نفس خویش واجب می داند. (اسکندرلو، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۰۲)

ده- حفظ مقاومت و پایداری در سنگر ایمان:

«دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می کند، مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد، در واقع مقاومت شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم ترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دل ها فرو بریزند و از بین ببرند» (بیانات در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح، ۱۳۸۰/۷/۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3087>

شاهد و مستند قرآنی:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (فصلت: ۳۰).

«کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است»

نکته‌ی مهم: بسیاری از کسانی که دم از عشق الله می‌زنند، ولی در عمل استقامت ندارند. افرادی سست و ناتوانند که وقتی در برابر طوفان شهوات قرار می‌گیرند با ایمان وداع کرده، و در عمل مشرک می‌شوند، و هنگامی که منافعشان به خطر می‌افتد، همان ایمان ضعیف و مختصر را نیز از دست می‌دهند.

علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه این آیه را با عبارت گویا و پرمعنایی تفسیر می‌کند و بعد از تلاوت آن می‌فرماید: «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَيَّ كِتَابِهِ وَعَلَيَّ مِنْهَا جِزَاءُ وَأَمْرُهُ وَعَلَيَّ الطَّرِيقَةُ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمُرُّوا مِنْهَا وَلَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَلَا تُخَالِفُوا عَنْهَا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶).

«شما گفتید پروردگار ما «الله» است اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او، و در راهی که فرمان داده، و در طریق پرستش شایسته‌ی او، استقامت به خرج دهید، از دایره‌ی فرمانش خارج نشوید، در آئین او بدعت مگذارید و هرگز با آن مخالفت نکنید»

یازده- ظرفیت اسلام در پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان معاصر

«رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمانان به ویژه جوامع صنعتی که تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی است جزء وظایف اجلاس‌های بین‌المللی اسلامی می‌تواند باشد. مارکسیسم جزء موزه تاریخ سیاسی جهانی شده و سرمایه‌داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی و رو به رو شدن ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین آن‌ها روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد» (پیام رهبری به کنفرانس

بین‌المللی مجالس اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/message->

(content?id=2956

شاهد و مستند قرآنی:

بدیهی است که قرآن کریم اصلی‌ترین منبع معارف دین مبین اسلام است. و این کتاب آسمانی مسلمانان، واجد و ویژگی جامعیت است. سخن درباره‌ی جامعیت قرآن، ریشه در برخی از آیات قرآن کریم دارد؛ چنان که خداوند از این کتاب آسمانی به عنوان بیانگر همه چیز تعبیر می‌کند: (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّمًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (نحل: ۸۹).

«و ما قرآن را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان‌کننده‌ی همه‌ی مطالب است»

بحث درباره‌ی جامع بودن قرآن گرچه به صورت نوین، در اثر تقابل با اندیشه‌های سکولاریستی مطرح گردیده، ولی محتوای آن در نصوص اسلامی دارای پیشینه‌ای کهن است؛ برای مثال امیرمؤمنان علی علیه السلام در سرزنش اختلاف فقیهان در فتوا و تصویب همه‌ی اقوال متعارض، بر جامعیت و کامل بودن محتوای قرآن در رفع نیازهای مرتبط با دین تأکید کرده و از آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی نحل و نیز آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام برای اثبات کاستی نداشتن دین الهی بهره جسته است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

همچنان که در روایات دیگر امامان علیهم السلام نیز بر جامعیت قرآن و بیانگری و روشننگری آن نسبت به همه‌ی نیازهای انسانی تأکید می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ۵۹-۶۱)

«البته چنانچه به همه‌ی نیازهای انسانی توجه شود، مجموع آیات قرآنی در زمینه‌ی عقاید، اخلاق، احکام، طبیعت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مانند آن بر قلمرو اعتدالی قرآن دلالت دارد؛ و چنانچه تنها به نیازهای هدایتی توجه شود. با بهره‌گیری از سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قلمرو حداکثری قرآن پذیرفته خواهد شد» (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۲/۲۶۳)

دوازده- این حادثه (تهاجم فرهنگی) برای ما تجربه و عبرتی است:

«این که از «تهاجم فرهنگی» اسم آوردند و گفتند شما در خط مقدم این تهاجم هستید، این حق است و بنده این را قبول دارم، چون تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر

فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرت‌های استکباری را به خطر می‌اندازد. این حادثه، برای ما تجربه و عبرتی است: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً). (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2557>)

شاهد و مستند قرآنی:

(قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَفْتُمْ فِي بُرُوقِ اللَّهِ وَأَخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ) (آل عمران: ۱۳).
«در دو جمعیتی (که در میدان جنگ بدر) با هم روبرو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود، یک جمعیت در راه خدا نبرد می‌کرد و جمعیت دیگری که کافر بود (و در راه شیطان و بت) در حالی که آن‌ها (جمعیت مؤمنان) را با چشم خود دو برابر آنچه بودند مشاهده می‌کردند (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آن‌ها شد) و خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند) با یاری خود تأیید می‌کند. در این عبرتی است برای صاحبان چشم و بینش»

در پایان این آیه خداوند می‌فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ)
«آن‌ها که چشم بصیرت دارند و حقایق را آنچنان که هست می‌بینند از این پیروزی همه جانبه‌ی افراد با ایمان، درس عبرت می‌گیرند و می‌دانند که سرمایه اصلی برای پیروزی‌ها ایمان است ایمان»

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائل خطیری که از حدود سه دهه پیش تا کنون در مناسبات مختلف مورد توجه جدی مقام معظم رهبری قرار گرفته و نکات ارزنده و توصیه‌های مؤکدی در آن باره بیان فرموده است، «تهاجم یا شبیخون فرهنگی» است.
دشمن به شکل منظم و سازمان‌یافته‌ای تهاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی

ایران به انجام می‌رساند پاسخ ما در برابر آن نیز باید منظم و سازمان یافته باشد. تهاجم فرهنگی عبارت است از اشاعه فرهنگ فساد و فحشاء به منظور نابودی جوانان مسلمان.

در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، چیزهای مطبوع و خوب را انتخاب می‌کند.

حوزه‌های علمیه، مسئول اصلی مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی هستند. امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین راه‌کارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. دنیای اسلام باید وحدت خود را حفظ کند.

همه باید مرزهای ایمانی و روحی خود را حفظ کنیم.

دشمنان از احکام و فرهنگ اسلامی همچون حجاب و عفاف زنان احساس خطر کرده‌اند. کسانی که ملت ایران را «خسرالدنیا والآخرة» معرفی کرده‌اند در حقیقت، خودشان این چنین هستند، نه دنیا دارند و نه آخرت، دنیاشان دنیای نکبت، و آخرتشان هم بلاشک قهر و عذاب الهی است.

دشمنان هرگز نمی‌توانند اهل تقوا را فاسد کنند چون تقوا هم در قیامت اثر می‌کند و هم در دنیا، در حفظ نظام و در سیاست نیز اثر می‌کند.

به منظور موفقیت در برابر نقشه‌های دشمن و خنثی کردن تهاجم فرهنگی وظیفه‌ی ما حفظ مقاومت و پایداری در سنگر ایمان است.

هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد. از این رو، رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمانان به ویژه جوامع صنعتی، جزء وظایف اجلاس‌های بین‌الملل اسلامی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه، الشریف الرضی، قم: دارالهجره، بی تا.

۱. اسکندرلو، محمدجواد، نگاهی قرآنی به پاک سازی روح، تهران: کانون اندیشه جوان، ج ۲، ۱۳۸۶.
۲. حرّانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، تهران: انتشارات کتابچی: ۱۳۷۶ ش.
۳. خسروپناه، عبدالکریم، جامعیت قرآن، دانشنامه علوم قرآن، ج ۲، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۴. رفیعی، ناصر، گفتار رفیع (جلد دوم)، قم: نشر معروف، ۱۳۸۸.
۵. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی آیت الله مکارم شیرازی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۸. رازی ابوالفتوح، جمال الدین، روض الجنان و روح الجنان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲ ش.
۹. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۲. موسوی، سید محسن، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۸۶.
۱۳. Downs, James F. (1978). Cultures in Crisis. London: clencoe Press.
۱۴. نرم افزارها:
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت
۱۶. www. Navide shahed. Com.
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله معارف / مهر ۱۳۸۸ - ش ۹۹:
۱۸. تهاجم فرهنگی و راه های مقابله با آن.
۱۹. نرم افزار جامع بیانات مقام معظم رهبری درباره‌ی تهاجم فرهنگی، تهیه کننده: صاعد رازی
۲۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir.